

براساس گزارش مؤسسه مشورتی وودمکنزی^۱ برنامه‌های توسعه حوزه‌های نفت و گاز دریای خزر موجب خواهند شد، تا بر مبنای محاسبات خوش‌بینانه، در سال ۲۰۱۴، میزان تولید نفت خام خزر به ۴/۱ میلیون بشکه در روز و حجم تولید گاز آن به ۱۶ تریلیون فوت مکعب در روز برسد. اما این میزان تولید در صورتی محقق خواهد شد که برنامه‌های مربوط به توسعه منابع آن در محیطی فارغ از مخاطرات تحقق پذیرند. این مؤسسه میزان ذخایر باقیمانده خزر را در حدود ۳۹/۴ میلیارد بشکه نفت و مایعات گاز طبیعی، و ۵/۸۶ میلیارد متر مکعب گاز اعلام نموده است. شایان ذکر می‌باشد که برآورد مؤسسه یاد شده از منابع نفت خزر در سال ۱۹۹۷، در حدود ۲۷/۳ میلیارد بشکه بوده، و لذا برآورد جدید این مؤسسه نشانگر افزایش میزان ذخایر نفتی این منطقه است.^۲ بر مبنای اعلام مؤسسه وودمکنزی، غیرمحمتم خواهد بود که میزان تولید نفت آذربایجان، قزاقستان، ترکمنستان، و روسیه از میزان ۴ تا ۴/۱ میلیون بشکه در روز فراتر رود، هرچند که این احتمال می‌تواند وجود داشته باشد. میزان تولید نفت ایران به دلیل فقدان حفاری در دریای خزر مورد محاسبه قرار نگرفته است. در خصوص تولید نفت در منطقه خزر حائز اهمیت است که در حال حاضر حوزه‌های نفتی تنگیز^۳، کراچاگانک^۴، و آذری چراغ‌گوشلی^۵ دارای بیشترین میزان تولید می‌باشند،

1. Edinburgh - based consultancy Wood Mackenzie

2. Platts, *Middle East Energy*, July 2002.

3. Kazakhstan's Tengiz field

4. Kazakhstan's Karachaganak gas and condensate field

و منطقه کشگان نیز دارای وسیع‌ترین دورنمای تولید ظرف ۵ تا ۷ سال آینده می‌باشد. میزان تولید حوزه نفتی تنگیز (قزاقستان)، که عملیات آن برعهده شرکت شورون است، در حال حاضر در حدود ۲۶۰۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد. پیش‌بینی می‌گردد که در سال ۲۰۱۰ میزان تولید حوزه تنگیز به ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد، و این حوزه میزان تولید یاد شده را تا سال ۲۰۱۴ حفظ نماید. در خصوص حوزه‌گازی و مایعات‌گازی کراچاگانک، که عملیات آن را شرکت‌های انی و بریتیش پترولیوم به‌طور مشترک اداره می‌کنند، پیش‌بینی می‌گردد که میزان تولید مایعات هیدروکربنی این حوزه تا سال ۲۰۰۷-۲۰۰۶ به حدود ۳۰۰۰۰۰ بشکه در روز برسد، و پس از آن انتظار می‌رود تا تولید این حوزه تنهاگاز باشد. در مورد حوزه آذری چراغ‌گونشلی آذربایجان این پیش‌بینی وجود دارد که میزان تولید آن تا سال ۲۰۱۳-۲۰۱۰ به حدود یک میلیون بشکه در روز برسد. پیش‌بینی تولید شرکت شورون در حدود ۷۰۰۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد، ولی شرکت بریتیش پترولیوم با ازدیاد برآورد خود در مورد تولید آتی به حدود یک میلیون بشکه در روز در صدد افزایش ورودی خط لوله باکو - تفلیس - جیهان می‌باشد.

ذخایر حوزه کشگان، که قزاقستان بر توسعه آن متمرکز گردیده، در حدود ۴ میلیارد بشکه برآورد می‌شود^۶، ولی بهره‌برداری از آن به دلیل طبیعت ذخایر هیدروکربن مربوطه دشوار است. در حال حاضر کنسرسیوم فعال در این حوزه توسط شرکت‌های انی - آجیپ کنترل می‌شود، و تا تیرماه ۱۳۸۱ سه چاه اکتشافی در آن حفر گردیده است. در این زمینه مؤسسه وودمکنزی پیش‌بینی نموده که میزان تولید حوزه کشگان در سال ۲۰۱۴ به حدود ۹۰۰۰۰۰ بشکه در روز خواهد رسید، و این دوره، زمانی است که میزان تولید در حوزه نفتی تنگیز و آذری چراغ‌گونشلی دارای سیر نزولی خواهد گردید. پیش‌بینی مؤسسه وودمکنزی براساس

5. Azerbaijan's offshore Azeri - Chirag - Guneshli

۶. در خصوص برآورد ذخایر نفتی کشگان حجم ۷ تا ۹ میلیارد بشکه نیز ذکر شده است.

(Upstream, Vol7, week 27, 5 July 2002, p.10)

رهیافت خوشبینانه، و مناسب بودن جمیع شرایط برای توسعه حوزه‌های یادشده ارائه گردیده، و موانع سیاسی، طبیعی، و فنی مورد توجه قرار نگرفته‌اند. در خصوص بررسی روند توسعه بهره‌برداری از منابع هیدروکربن دریای خزر این نکته حائز اهمیت اساسی است که فقدان توافق جامع در خصوص رژیم حقوقی دریای خزر و اختلافات موجود در این مورد با افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در این منطقه، از جمله موانع توسعه سریع بهره‌برداری از منابع خزر می‌باشد.

توسعه حوزه‌های نفتی و افزایش تولید آنها وابسته به وجود بازار برای تولید می‌باشد، و وجود راه‌های انتقال تولید به بازارهای مصرف پیش‌نیاز اساسی دسترسی به بازار است. در این زمینه چنین به نظر می‌رسد که محدودیت مسیرهای انتقال عمده‌ترین مانع افزایش تولید نفت در این منطقه می‌باشد. جمهوری آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان همگی در گروه کشورهای محصور در خشکی قرار دارند و بدون همکاری کشورهای همجوار انتقال نفت تولیدی آنها به بازارهای مصرف امکانپذیر نمی‌باشد. در مورد تولید نفت روسیه نیز شایان عنایت می‌باشد که با توجه به محدودیت ظرفیت کشتی‌های قابل عبور از تنگه بسفر، انتقال نفت آن عمدتاً از طریق مسیرهای طولانی خطوط لوله نفت این کشور انجام می‌پذیرد. در این زمینه علاوه بر مشکلات مربوط به انتقال، محدودیت بازار برای نفت حاصل از دریای خزر نیز محسوس می‌باشد. این منطقه در رقابت با دیگر مناطق تولیدکننده نفت است، و لذا نحوه نوسان قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی و به‌ویژه اروپا، که مصرف‌کننده اصلی نفت حاصله می‌باشد، در مورد افزایش تولید در این منطقه دارای اهمیت اساسی است. نحوه عملکرد جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت تعیین‌کننده است. تولید نفت قزاقستان در صورتی می‌تواند تحقق پذیرد که این کشور علاوه بر خط لوله موجود نسبت به ایجاد خط لوله دوم اقدام نماید. مسیرهای روسیه، ایران، و آذربایجان راه‌های متصور موجود می‌باشند. در این خصوص چنانچه مسیر روسیه انتخاب گردد میزان وابستگی قزاقستان و نیز کشورهای خریدار به روسیه افزایش خواهد یافت و این انتخاب در شرایط موجود دارای مطلوبیت چندانی نمی‌باشد. مسیر آذربایجان انتخاب محتمل دیگر است،

ولی با توجه به ظرفیت خط لوله باکو - جیهان و پیش‌بینی‌های موجود در مورد میزان تولید آتی آذربایجان و قزاقستان، چنین به‌نظر می‌رسد که ظرفیت خط لوله باکو - جیهان پاسخگوی ظرفیت تولید آتی در منطقه نباشد، و ایجاد یک خط لوله دیگر در مسیر یادشده نیز چندان محتمل به‌نظر نمی‌رسد. در شرایط یادشده چنانچه میزان تولید نفت در منطقه خزر بر اساس پیش‌بینی‌های موجود افزایش یابد، ایجاد خط لوله در ایران در مسیر شمال - جنوب جهت انتقال تولید منطقه خزر و به‌ویژه قزاقستان دارای توجیه خواهد بود. وجود این خط لوله به‌ویژه برای قزاقستان، و در مرحله بعد برای ترکمنستان نیز دارای اهمیت اساسی خواهد بود، و توسعه حوزه‌های نفتی منطقه و افزایش تولید نفت وابسته به‌وجود آن خواهد گشت. در حال حاضر بخشی از نفت تولیدی قزاقستان توسط شناور به جمهوری اسلامی ایران منتقل می‌شود، در پالایشگاه‌های شمال کشور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، و در ازای آن نفت تولیدی ایران در جنوب به قزاقستان تحویل داده می‌شود (سوپ). افزایش نفت دریافتی از قزاقستان مستلزم ایجاد تغییرات افزون‌تر در پالایشگاه‌های ایران می‌باشد، و بدین جهت با افزایش حجم واردات نفت از قزاقستان میزان وابستگی ایران به قزاقستان افزایش می‌یابد. در این زمینه، با مدنظر قرار دادن فواید حاصله از سیستم تبادل نفت موجود بین ایران و قزاقستان، با عنایت به اهمیت ایجاد خط لوله یادشده، و نیز روند افزایش تقاضا در آسیا، مناسب‌تر به‌نظر می‌رسد که همزمان با تلاش جهت تولید نفت ایران در دریای خزر، تداوم و احیاناً افزایش دریافت نفت از قزاقستان موکول به ایجاد خط لوله از طریق ایران، و مشارکت فعال قزاقستان جهت تحقق آن گردد. در صورت ایجاد این خط لوله، نفت تحویلی قزاقستان و ترکمنستان می‌تواند از طریق خط لوله منشعب از خط لوله اصلی به پالایشگاه‌های شمال ایران هدایت شود، و بخش عمده آن جهت صدور به کشورهای دیگر به بنادر جنوب کشور منتقل گردد.

علیرضا اقلیم - نمایندگی جمهوری اسلامی ایران - لندن